

Studying Semantic Significations for Time-Related Vocabulary in the Quran (Based on Relational Semantic)

(Received: 2022-04-26 Accepted: 2022-08-28)

Zahra Rezaee¹

Shahriar Niazi²

Ezzat Molla Ebrahimi³

Abstract

Knowing the exact meaning of Qur'an words is the first step to achieve its knowledge. The semantic study of the terms of the Quran leads to coherent and systematic research, extracts precise concepts, and counts the different uses of selected words from the Holy Quran. In the constructivist approach, the words of a language are not a collection of words but a network of interrelated words, in terms of various semantic connections. The importance of the category of "Time" is such that it can be considered as a tool for understanding existence; therefore, the present article examines the conceptual relationships of words related to "Time" in the Holy Qur'an based on a constructivist approach and the semantics of relationships. Also, the meaning of the dictionary and the study of interpretations related to words are the criteria. This study's aim is classifying the Qur'an words related to "Time" in three axes: "ambiguous time sensors", "general and accurate time sensors" and "partial and accurate time sensors". The results of the study show a semantic network and conceptual relationships exist between these words in each axis, which is considered as Synonymy, Hyponymy, Antonymy and Meronymy.

Keywords: Relational Semantic, Conceptual Relations, Semantic Signification, Time Quantifiers, Time.

1) PHD Student of Arabic Language and Literature, University of Tarbiat modares Tehran,Iran(The Corresponding Author) Email: rezaee.zahra@ut.ac.ir

2) Professor of Arabic Language and Literature, University of Tehran Tehran,Iran Email: shniazi@ut.ac.ir

3) Professor of Arabic Language and Literature, University of Tehran ,Tehran,Iran Email: mebrahim@ut.ac.ir



بررسی دلالت‌های معنایی واژگان مرتبط با «زمان» در قرآن کریم (بر مبنای نظریه معناشناسی رابطه‌ای)

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۶)

زهرا رضائی^۱
 شهریار نیازی^۲
 عزت ملاابراهیمی^۳

سال پنجم
 شماره دوم
 پیاپی: ۹
 پاییز و زمستان
 ۱۴۰۰

چکیده

مطالعه معناشناسانه واژه‌های قرآن کریم منجر به بررسی منسجم، نظام‌مند و هم‌چنین استخراج مفاهیم دقیق به همراه شمارش کاربرد مختلف واژگان منتخب از قرآن کریم می‌گردد. در رویکرد ساخت‌گرا، واژگان زبان، انباشته‌ای از واژه‌ها نیستند، بلکه شبکه‌ای از الفاظاند که برحسب تنوعی از پیوندهای معنایی، در رابطه متقابل با یکدیگرند. اهمیت مقوله «زمان» به حدی است که می‌توان آن را ابزار درک هستی دانست. از این رو نوشتار حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی روابط مفهومی واژگان مرتبط با «زمان» در قرآن کریم مبتنی بر رویکرد ساخت‌گرا و معناشناسی رابطه‌ای پرداخته است. برای کشف و استخراج این روابط میان واژگان، از معنای معجمی و تفاسیر مربوط به واژگان، استفاده شده است. دسته‌بندی واژگان مرتبط با «زمان» موجود در قرآن در سه محور «سنجشگرهای مبهم زمان»، «سنجشگرهای کلی و دقیق زمان» و «سنجشگرهای جزئی و دقیق زمان» از جمله یافته‌های پژوهش است؛ همچنین میتوان به ترسیم شبکه معنایی و روابط مفهومی میان این واژگان همچون شمول معنایی، هم‌معنایی، تضاد معنایی و جزء‌واژگی در هر محور به صورت جداگانه، اشاره نمود. از دیگر دستاوردهای پژوهش آن است که تنها رابطه‌های که میتوان میان «واژگان مبهم زمان» و «واژگان دقیق زمان» برقرار نمود، رابطه اشتغال میان دو واژه «مدّة» و «وقت» با سایر سنجشگرهای کلی و جزئی «زمان» است.

واژگان کلیدی: معناشناسی رابطه‌ای، روابط مفهومی، دلالت معنایی، سنجشگرهای زمان، زمان

(۱) دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه تربیت مدرس، تهران ایران، (نویسنده مسئول)، ایمیل: rezaee.zahra@ut.ac.ir
 (۲) استاد تمام گروه زبان و ادبیات عرب، دانشکده ادبیات، دانشگاه تهران، تهران ایران، ایمیل: mebrahim@ut.ac.ir
 (۳) دانشیار گروه زبان و ادبیات عرب، دانشکده ادبیات، دانشگاه تهران، تهران ایران، ایمیل: shniazi@ut.ac.ir

۱. مقدمه

«زمان» یکی از پدیده‌های طبیعی و از ضروریات زندگی انسان است. هم‌چنین معیاری برای فعالیت‌های انسان است به طوری که بدون آن بسیاری از جنبه‌های زندگی دچار بی‌نظمی می‌گردد. اگر «زمان»، مفهوم خود را از دست بدهد و گذشته، حال و آینده‌ای وجود نداشته باشد، آنگاه هیچ معیاری برای تنظیم امور وجود نخواهد داشت. از این رو، تشکیل واحدهای زمانی همچون سال، ماه، هفته اهمیت می‌یابد. قرآن کریم نیز نسبت به این مسأله بی‌تفاوت نبوده و به بحث زمان و محاسبه آن توجه نموده است. برای نمونه در آیه ﴿إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا﴾ (توبه/۳۶)، تعداد ماه‌های سال قمری نزد خداوند را دوازده ماه می‌شمارد.

بنابر آیات قرآن کریم و سنت رسول خدا (ص)، «زمان» و توجه به آن در زندگی و اعمال مسلمانان اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چراکه احکام شرعی در چارچوب زمان وضع شده‌اند. برای مثال خداوند در آیه ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا﴾ (نساء/۱۰۳)، ادای فریضه نماز را محدود به اوقات خاصی نموده است. (ابوغده، بی تا: ۹) در دیگر فرائض می‌توان به حج، روزه و اعیاد مسلمین اشاره نمود که هر کدام ایام مخصوصی دارند. هم‌چنین در آیاتی دیگر علت خلقت روز و شب و خورشید و ماه را «دانستن حساب وقت‌ها ﴿لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِّينَ وَالْحِسَابِ﴾ (یونس/۵) بیان می‌کند.

«زمان» مفهومی انتزاعی است که از دیرباز تعاریف متعددی داشته است. اهل زبان از آن به اسم «وقت» یاد کرده‌اند که می‌تواند زیاد یا کم - اسم لقلیل الوقت و کثیره - باشد (جوهری، ۱۳۷۶: ۲۱۳۱/۵) و برخی آن را «مقدار حرکت الفلک» (زرکشی، ۱۹۵۷: ۱۲۳) یا «ساعات اللیل والنهار» (طبری، ۱۹۶۰: ۹) دانسته‌اند. در این پژوهش «منظور از زمان، زمانی است که با آن سر و کار داریم و از آن با ساعت، روز و ماه، یاد می‌شود. زمان به دو دسته داخلی و خارجی تقسیم می‌شود. زمان خارجی منظور زمانی است که انسان در آن حرکت می‌کند - تئوری انیشتین - و زمان داخلی زمانی است که قابل قیاس نیست و در درون انسان وجود دارد.» (عبدالملک، ۱۹۷۲: ۱۶۵)

گسترده‌گی مفهوم «زمان» سبب شده هر یک از اندیشمندان دیگر حوزه‌ها، متناسب با زاویه نگاه خود تعاریفی از آن ارائه دهند. به همین دلیل برای زمان اقسام و انواعی در نظر گرفته شده است: (نظری و موسوی، ۱۳۹۹: ۳۵)

- زمان اجتماعی: این زمان نظام‌مند است و در نتیجه حرکت ستارگان حاصل می‌شود (همان)؛ منظور زمانی است که ما بر اساس آن وقت خود را تنظیم می‌کنیم و تمامی بشر بر سر آن اتفاق نظر دارند.

- زمان فلسفی: این قسم، وجود خارجی ندارد، بلکه از نوع دیدگاه فلاسفه نشأت می‌گیرد. (همان)

- زمان درونی: این مقوله بیان‌کننده حالات روانی انسان و احساسش نسبت به زمان است (همان)؛ زمانی است که با ثانیه و دقیقه شمرده نمی‌شود. شبیه زمانی که انسان در رویاها و خاطرات و در درون ذهن خود سپری می‌کند.

- زمان مبتنی بر زبان: این نوع در دانش‌های ساخت‌واژه و دستور زبان کاربرد دارد؛ برای مثال گذشته/حال/آینده زمان دستوری‌اند. (همان)

در علم، «زمان» به عنوان موجودی ساده و بدون در نظر گرفتن اینکه دارای وجودی مستقل است یا اینکه مفهومی انتزاعی از رویدادهای عینی است، وارد معادلات فیزیکی می‌شود. مفهوم مکان (فضا) مانند مفهوم زمان از ایده حرکت برمی‌خیزد. مفاهیم زمان و مکان (فضا) چنان با هم آمیخته‌اند که جدا کردن آن‌ها از یکدیگر ناممکن است. اشیاء یا رویدادها در مکان ایده‌هایی با بار زمانی‌اند. (مختاری، ۱۳۹۴: ۹۵) حوادث و اتفاقات در زمان به صورتی در حال سپری شدن هستند که امکان ندارد ترتیب زمانی آن‌ها نقض شود. در واقع زمان به لحاظ تئوری، مفهوم وقت سپری شده بین دو رویداد معین را دارد. واحد اندازه‌گیری زمان عموماً ثانیه (در دستگاه SI^۱) است؛ اما می‌توان برحسب واحدهای دیگری نیز گزارش کرد. از جمله «سنجشگرهای زمان^۲» می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود: ثانیه، دقیقه، روز، هفته، ماه، فصل و سال (سایت Conversion).

۱.۱. بیان مسئله

نوشتار حاضر در پی آن است تا با نگاهی معناشناسانه به واژگان مرتبط با «زمان» که در قرآن کریم نظیر «ساعه»، «وقت»، «سنه»، «یوم»، «شهر»، «عام»، «مده»، «أجل»، «أبد»، «آمد» و همچنین اوقات مختلف روز و شب همچون «نهار»، «فجر»، «صبح»، «شفق»، «ضحی»، «عصر»، «لیل» و غیره، دلالت‌های معنایی هر کدام از این واژگان و روابط مفهومی میان واژگان فوق را بررسی نماید و به ترسیم شبکه معنایی واژگان مرتبط با زمان نیز بپردازد. به عبارت دیگر پژوهش درصدد پاسخگویی به سوالات زیر است:

۱. دلالت‌های معنایی هر کدام از واژگان مرتبط با «زمان» به صورت جداگانه به چه صورت است؟

۲. روابط مفهومی میان واژگان مرتبط با «زمان» به چه صورت است؟

۳. شبکه‌های معنایی واژگان مرتبط با «زمان» به چه صورت ترسیم می‌شود؟

همچنین فرضیه‌های پژوهش عبارتند از:

۱. دلالت‌های معنایی واژگان زمان با توجه به فرهنگ‌های لغت و کتب تفسیر قابل

1) Systéme International d' unités

2) Time Units

شناسایی و تبیین است.

۲. روابط مفهومی میان واژگان زمان در پنج دسته «اشتمال، هم‌معنایی، شمول معنایی، تضاد معنایی و جزء و کل» تقسیم می‌گردد.

۳. شبکه‌های معنایی میان واژگان زمان، در سه دسته سنجشگرهای مبهم، سنجشگرهای دقیق و جزئی و سنجشگرهای دقیق و کلی قابل ترسیم است.

روش پژوهش حاضر، تحلیلی-توصیفی بوده و روش گردآوری داده‌های پژوهش به صورت اکتشافی-توصیفی است. لازم به ذکر است در شناسایی و گردآوری واژگان مرتبط با زمان، واژگانی که بر مبنای علم صرف و نحو بر زمان دلالت دارند نظیر «س»، «سوف»، «إذ»، «إذا»، «حین»، «آنان» و غیره را کنار گذاشته و به واژگان معربی که به نحوی بر زمان و اوقات مختلف آن اشاره دارند، پرداخته شده است. هم‌چنین این واژگان شناسایی شده در کتاب‌های لغت و تفسیر که به عصر نزول قرآن نزدیک بوده‌اند - نظیر کتاب «العین» از خلیل بن احمد فراهیدی (متوفی ۱۷۵ ق)، کتاب «فروق اللغه» از ابوهلال عسکری (۳۹۵ ق) و «مفردات ألفاظ القرآن» از راغب اصفهانی (۴۲۵ ق)؛ و کتب تفسیری هم‌چون «تفسیر مقاتل بن سلیمان» (متوفی ۱۵۰ ق)، «التبیان فی علوم القرآن» از شیخ طوسی (۴۶۰ ق)، «مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن» از فضل بن حسن طبرسی (۵۴۸ ق) و تفسیر «المیزان فی تفسیر القرآن» از علامه طباطبایی- بررسی شدند.

۲.۱. پیشینه پژوهش

از جمله پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه مفهوم «زمان» در قرآن کریم، می‌توان به پایان‌نامه درخشان‌فر (۱۳۹۵) با عنوان «معناشناسی واژگان اوقات نماز در قرآن (دلوک، غسق، قرآن‌الفجر)» اشاره نمود که وی با استفاده از دانش ریشه‌شناسی و معناشناسی تاریخی، مفهوم دقیق سه واژه فوق را روشن نمود. این تحقیق نشان می‌دهد که این واژگان در مقام بیان مفهومی فراتر از معنای حسی و طبیعی است که مفسرین بیان کرده‌اند؛ هم‌چنین این معانی یکی از مصادیق و معانی ظاهری این واژگان است. هم‌چنین پیروزی‌فر (۱۳۹۲) در پایان‌نامه «معناشناسی واژگان یوم و ایام در قرآن کریم»، به کمک معناشناسی تاریخی و توصیفی، معانی و کاربردهای مختلف این واژگان در قرآن کریم، کتب معتبر تفسیری تاریخی، شعرهای عربی و ضرب‌المثل‌ها در سه دوره مختلف جاهلی، مخضرمین و عصر اسلامی مورد بررسی قرار گرفته و نتایج نهایی شامل تفاوت‌ها، شباهت‌ها و تطورات معنایی این واژگان را بیان نموده است. هم‌چنین کربوعه (۲۰۱۴) در مقاله «الفاظ الزمن فی القرآن الکریم: اللیل و النهار أنموذجاً»، به مطالعه شب و روز در قرآن کریم می‌پردازد.

از دیگر پژوهش‌ها در این زمینه مقاله «زمان در قرآن» از براتی و دیگران (۱۳۹۵) است که با روش تحلیلی و توصیفی درصدد تبیین این نظریه هستند که زمان در عالم رؤیا و طبیعت

یکی نیست. سال‌هایی که در عالم رؤیا سپری می‌شود، نسبت به عالم طبیعت در یک لحظه جمع می‌شود؛ اما این حقیقت در جهان آخرت چنان رقیق و جمع می‌شود که بر اساس آیات الهی، یک روز آن مطابق هزار یا پنجاه هزار سال طول می‌کشد؛ که با احوال کافران و مؤمنان متغیر است. آن زمان حقیقتی درونی، شخصی و کیفی است و این زمان حقیقتی کمی و بیرونی است.

اسدی (۱۳۹۳) نیز در پایان‌نامه «بررسی آیات زمان در قرآن کریم» درصدد است تا با اتخاذ روش توصیفی-تحلیلی، آیات زمان را بر اساس عوالم سه‌گانه هستی (دنیا، برزخ و آخرت)، به سه دسته تقسیم کرده و مواضع قرآن را در خصوص زمان در هر یک از مراتب عالم، بیان نموده، سپس به واکاوی آن بپردازد. نتایج پژوهش، حاکی از آن است که زمان، در لسان قرآن در دو معنا به کار رفته؛ هم‌چنین زمان به معنای متعارف تنها در عالم دنیا موضوعیت دارد و نه عوالم فوق ماده.

در این راستا می‌توان به پژوهش ممتحن (۱۳۹۲) با عنوان «مفاهیم زمانی در ادبیات و قرآن» نیز اشاره نمود؛ ایشان واژه‌هایی که بر زمان دلالت می‌کنند را ذکر کرده و در ذیل هر کدام به توضیح مختصری پرداخته است. شایان ذکر است پژوهش فوق در گردآوری واژگان مرتبط با زمان، تحقیق جامعی است. به علاوه کتاب «المواسم و حساب الزمن عند العرب قبل الإسلام»، اوقات مختلف زمان نزد عرب‌ها قبل از اسلام را مورد مطالعه قرار داده است (حمور، ۲۰۰۰) و هم‌چنین کتاب «الزمن عند الشعراء العرب قبل الإسلام» در پنج فصل ذیل به مباحث مربوط به زمان پرداخته است: «منطلقات فی دراسة الزمن»، «الزمن من خلال الوقت»، «الزمن من خلال رموز الحیاة و الموت»، «تحولات الزمن إلى معانی السلطان و الناس و المرأة» و «مواقف الشعراء العرب قبل الإسلام من الزمن». (الصائغ، بی‌تا)

در مقاله «An Ontological Model for Representing Semantic Lexicons: An Application on Time Nouns in the Holy Quran» (۲۰۱۰) در راستای ارائه یک مدل پیشنهادی برای فرهنگ لغت رایانه‌ای مبتنی بر تکنولوژی «هستی‌شناسی»، از کلمات مرتبط با زمان در قرآن کریم بهره برده است.

تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش‌های صورت گرفته در آن است که این نوشتار درصدد دقیق کردن زمان به کار رفته در قرآن است؛ رابطه میان زمان‌های به کار رفته در قرآن را از نظر بحث معناشناسی مورد بررسی قرار داده و به دنبال ترسیم شبکه‌های معنایی و شناسایی روابط مفهومی میان آن‌ها است. به عبارتی می‌توان گفت در این پژوهش، کلیه واژگان مرتبط با زمان به صورت جامع و منسجم مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

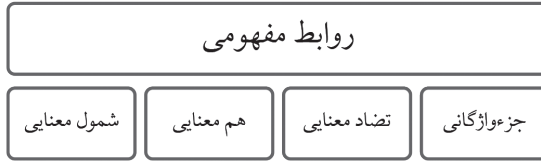
۲. مبانی نظری

شیوه‌های زبان‌شناختی در بررسی معنا_از همان آغاز_ بر معنای قاموسی یا بررسی معنای

کلمه مفرد به منزله واحد اصلی نحو و معناشناسی تأکید داشت. (مختار عمر، ۱۳۸۵: ۵۱) «معناشناسی ساخت‌گرا» یکی از این شیوه‌هاست که با الهام از برداشت ساخت‌گرا نسبت به زبان و تحت تأثیر آرای فردینان دوسوسور^۱، مرحله تازه‌ای را از مطالعه معنای واژه پیش رویمان قرار می‌دهد. (گیرتس، ۱۳۹۵: ۱۲۲) گونه‌های معناشناسی ساخت‌گرا به سه دسته ذیل تقسیم می‌شود: ۱. نظریه حوزه واژگانی^۲، ۲. تحلیل مؤلفه‌ای^۳، ۳. معناشناسی روابط مفهومی یا «معناشناسی رابطه‌ای»^۴. (همان: ۱۳۱-۱۳۲)

«معناشناسی رابطه‌ای»، رابطه‌ای نگرشی است که روش تبیین روابط ساختاری میان واژه‌های مرتبط با یکدیگر را معلوم می‌کند و به آن دسته از واژگان نظری محدود می‌شود که در این تبیین دخیل‌اند. در تحلیل مؤلفه‌ای، مختصات توصیفی‌ای نظیر جنسیت و نسل در نظام واژگان خویشاوندی، مختصات متعلق به واقعیت‌های جهان خارج‌اند. این نوع مختصه‌ها، مشخصات مصداق‌های موجود در جهان خارج را نمی‌نمایانند؛ اما ساخت‌گرایی به دنبال تبیین ساخت زبان است و نه ساخت جهان خارج از زبان؛ بنابراین، ساخت‌گرایان نیازمند تجهیزاتی‌اند که تا حد امکان، زبانی باشند، معناشناسی رابطه‌ای به دنبال یافتن چنین تجهیزاتی است، آن هم در شکل روابط واژگانی نظیر هم‌معنایی یا تضاد معنایی. این نکته که عمو و عمه بر حسب نسبت با پدر یا مادر در قالب یک نسل امکان طبقه‌بندی می‌یابند، واقعیتی متعلق به جهان خارج است؛ اما این که ما سیاه و سفید را در تقابل با هم قرار می‌دهیم، به واژه‌ها و زبانمان مربوط است و چنین تقابلی در جهان خارج وجود ندارد. (گیرتس، ۱۳۹۵: ۱۳۲-۱۳۳) این نگرش در سال‌های دهه ۱۹۶۰ در یکی از عمده‌ترین آثار جان لاینز^۵، زبان‌شناس بریتانیایی مطرح شد. (همان: ۱۳۳) وی بدون این که مستقیماً به سراغ مترادف‌ها و متضادهای یک واژه برود، به سراغ نوع تازه‌ای از توصیف معنی واژه‌ها رفت و مدعی شد که معنی هر واژه را می‌توان بر حسب مجموعه روابط معنایی‌اش با معنای سایر واژه‌ها توصیف کرد. (همان: ۱۸۴) پس از لاینز عمده‌ترین پژوهشی که درباره روابط مفهومی صورت پذیرفته است به آلن کروز^۶ (۱۹۸۶) تعلق دارد. (همان: ۱۸۷) در نمودار ذیل، عمده‌ترین «روابط مفهومی»^۷ میان واژه‌ها ذکر شده است.

- 1) Structural Semantics
- 2) Ferdinand de Saussure
- 3) Lexical Field Theory
- 4) Componential Analysis
- 5) Relational Semantics
- 6) John Lyons
- 7) Alan Cruse
- 8) Sense Relations



شکل ۲-۱: روابط مفهومی در نظریه معناشناسی رابطه‌ای

۳. سنجشگرهای «زمان» در قرآن کریم

همان‌طور که پیشتر اشاره شد، برای اندازه‌گیری مقیاس «زمان» نیاز به کمیت‌نما یا سنجشگر است. پس از مطالعه و بررسی آیات قرآن کریم، مجموعه واژگان ذیل در حیطه «زمان» استخراج شد. در جدول ۴-۱ سنجشگرهایی که در قرآن برای اندازه‌گیری زمان به کار رفته‌اند، به همراه میزان فراوانی هر کدام آمده است.

جدول ۳-۱: بسامد فراوانی واژگان مرتبط با «زمان» در قرآن کریم

میزان فراوانی	مشتقات	واژگان زمان	
۲۸		أبد	۱
۲۱		أجل	۲
۴		أمد	۳
۲		دهر	۴
۱-۱	أحقاب-حقب	حقب	۵
۱	صورت فعلی	مدة	۶
۳-۸-۱-۱	وقت-میقات-موقت-صورت فعلی	وقت	۷
۲	پلک زدن	ثانیة	۸
۴۸		ساعة	۹
۳		أناء	۱۰
۴۴۳	یوم-أیام	یوم	۱۱
۵		الیوم	۲۱
۴		أمس	۱۳
۵		غد	۱۴
۸		الآن	۱۵
۸-۱	سبت-صورت فعلی	سبت	۱۶
۲		جمعة	۱۷
۲۱		شهر	۱۸

میزان فراوانی	مشتقات	واژگان زمان	
۱		رمضان	۱۹
۱		نسیء	۲۰
۱		أهله	۲۱
۱		صیف	۲۲
۱		شِشاء	۲۳
۱۹	سنه-سینین	سنه	۲۴
۹		عام	۲۵
۲		حول	۲۶
۱-۲	سحر-أسحار	سحر	۲۷
۲		فلق	۲۸
۷		فجر	۲۹
۱		إشراق	۳۰
۲-۱	طلوع-مطلع الشمس	طلوع	۳۱
۵-۲-۳	عُدُو-غداة-صورت فعلی	غداة	۳۲
۷-۲	بكرة-إبكار	بكرة	۳۳
۵-۴-۱-۱-۲	صبح-مصبحین-إصبح-صباح-صورت فعلی	صبح	۳۴
۵۷		نهار	۳۵
۷-۱	ضحی-صورت فعلی	ضحی	۳۶
۱-۱	ظهيرة-صورت فعلی	ظهر	۳۷
۱		دلوك الشمس	۳۸
۲		عصر	۳۹
۱	صورت فعلی	مساء	۴۰
۲-۱	غروب-مغرب	غروب	۴۱
۱		شفق	۴۲
۹۲	لیل-لیالی	لیل	۴۳
۱		ناشئة الليل	۴۴
۱-۱	غاسق-عسق	غسق الليل	۴۵
۱۱-۲	عشی-عشاء	عشی	۴۶
۴-۳	أصيل-أصال	أصيل	۴۷
۳		بیات	۴۸

سنجشگرهای زمان به دست آمده در جدول فوق را می‌توان به صورت زیر تقسیم‌بندی نمود:

✱ **واحدهای مبهم «زمان» در قرآن:** منظور آن دسته از سنجشگرهای زمان است که اندازه‌گیری آن‌ها در علم ریاضی مشخص نیست و به طور کلی بر عنصر «زمان» دلالت دارند. این سنجشگرها عبارت‌اند از: «أبد»، «أجل»، «أمد»، «دهر»، «حقب»، «وقت» و «مدة».

✱ **واحدهای دقیق «زمان» در قرآن:** مراد کمیت‌نمایی هستند که در علم ریاضی برای اندازه‌گیری «زمان» مطرح شده و دارای ترتیب زمانی هستند. شایان ذکر است، این بخش از واحدهای زمان در قرآن را می‌توان در ذیل دو دسته «تقسیمات کلی زمان» و «تقسیمات جزئی زمان بر حسب شبانه‌روز» تقسیم و بررسی نمود:

✱ **تقسیمات کلی زمان:** مراد تقسیم‌بندی زمان بر حسب کوچک‌ترین واحد اندازه‌گیری یعنی ثانیه تا بزرگ‌ترین واحد اندازه‌گیری زمان یعنی سنه است. این واژگان عبارتند از: «ثانیه*»، «ساعه»، «آناء»، «یوم»، «الیوم»، «الآن»، «غد»، «امس»، «أسبوع*»، «شهر*»، «فصل*»، «سنه»، «عام» و «حول».

✱ لازم به ذکر است برخی واژه‌های فوق با این که در قرآن کریم به کار نرفته‌اند؛ اما زیرمجموعه‌های آنها به کار رفته است نظیر واژه «ثانیه» در قرآن کریم به صورت مستقیم به کار نرفته اما می‌توان به داستان حضرت سلیمان (ع) و تخت ملکه سبا (آیات ۳۸-۳۹ سوره نمل) اشاره نمود. هم‌چنین واژه «أسبوع» به معنای هفته در قرآن کریم به کار نرفته است؛ اما نام دو روز از روزهای هفته «سبت» و «جمعه» در قرآن کریم وجود دارد. علاوه بر واژه «شهر»، واژه‌های «رمضان»، «نسیء» و «أهله» نیز هر کدام به نحوی بر معنای «شهر» دلالت دارند. واژه «فصل» در قرآن کریم به کار نرفته است؛ اما نام دو فصل از فصول چهارگانه سال در قرآن آمده است: «صیف»، «شتاء».

✱ **تقسیمات جزئی زمان بر حسب شبانه‌روز:** بر حسب تحولات شب و روز و تغییرات خورشید و ماه، می‌توان اوقات مختلف یک شبانه‌روز را تقسیم‌بندی نمود. واژگان مرتبط با «زمان» به کار رفته در قرآن کریم را که بر تحولات شب و روز اشاره دارند عبارت‌اند از: «سحر»، «فلق»، «فجر»، «صبح»، «إشراق»، «طلوع الشمس»، «غداة»، «بكرة»، «نهار»، «ضحی»، «ظهر»، «دلوک الشمس»، «عصر»، «مساء»، «غروب»، «شفق»، «لیل»، «ناشئة اللیل»، «غسق اللیل»، «عشی»، «أصیل» و «بیات».

۴. بررسی روابط مفهومی واژگان مرتبط با «زمان» در قرآن کریم

برای تبیین روابط مفهومی سنجشگرهای زمان در دو دسته مبهم و دقیق، یک بار در میان واژگانی که بر سنجشگرهای مبهم زمان دلالت دارند، و یک بار در میان واژگانی که به

صورت دقیق بر این سنجشگرها دلالت می‌کنند، جستجو و واکاوی صورت می‌گیرد. برای مثال رابطه هم‌معنایی یک بار میان سنجشگرهای مبهم زمان شناسایی و تبیین می‌گردد و یک بار میان سنجشگرهای دقیق زمان.

۴. ۱. رابطه هم‌معنایی^۱

منظور از رابطه هم‌معنایی یا مترادف، تضمن دو جانبه میان دو کلمه است. برای مثال (الف) و (ب) در صورتی مترادفند که (الف) متضمن (ب) باشد و (ب) نیز متضمن (الف) باشد؛ مثل دو واژه «أم» و «والدة». (مختار عمر، ۱۳۸۵: ۸۶)

اگر هم‌معنایی را در قالب رابطه مفهومی میان دو یا چند واژه در بافت معرفی کنیم، دو واژه زمانی با هم مترادف یا هم‌معنایی مطلق خواهند داشت که بتوانند در یک بافت جایگزین یکدیگر شوند، بدون این که تغییری در ارزش معنایی لفظ تولید شده پدید بیاورند. این جایگزینی باید دوسویه باشد تا جایگزینی واژه شامل به جای واژه زیرشمول را، از این رابطه مفهومی منفک کنیم. برای مثال در جمله (برادرش برایم گلایل خرید)، به جای واژه گلایل می‌توان از واژه گل استفاده کرد ولی برعکس آن ممکن نیست؛ آن هم بدین دلیل که گل انواع دیگری را شامل می‌شود. هم‌معنایی نسبی یا جزئی زمانی رخ می‌دهد که دو یا چند واژه در بافت‌های خاصی جایگزین یکدیگر شوند و این امکان در تمامی بافت‌ها وجود ندارد. برای نمونه دو واژه فرش و قالی که در جمله (کل اتاق را با موزاییک __ کردیم) به جای خط تیره، فقط واژه فرش را می‌توان به کار برد. (گیرترس، ۱۳۹۵: ۱۹۰-۱۹۱)

در ادامه رابطه هم‌معنایی در دو بخش ذیل بررسی شده است: ۱. میان سنجشگرهای مبهم زمان ۲. میان سنجشگرهای دقیق زمان.

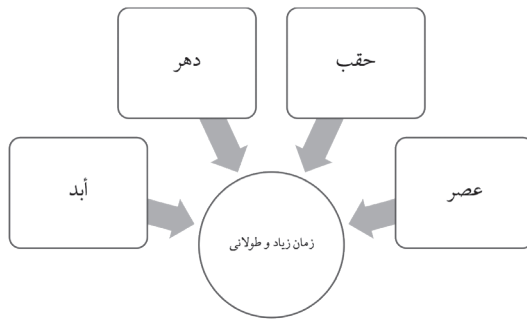
۴. ۱. ۱. رابطه هم‌معنایی میان واحدهای مبهم «زمان»

* **رابطه هم‌معنایی میان واژگان: «أبد»، «دهر»، «حقب»، «عصر».** واژه «دهر» به معنی «أبد الممدود» یا «أبد ادامه‌دار است». (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲۳/۴) از این رو رابطه میان دو واژه «دهر» و «أبد» هم‌معنایی است. البته این هم‌معنایی مطلق نیست و یک تضاد نسبی با یکدیگر دارند؛ چراکه یکی متناهی (دهر) و دیگری نامتناهی (أبد) است.

واژه «حقب» نیز به معنای «دهر» و زمان‌های مبهم و بسیار طولانی که آغاز آن مشخص نباشد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۶۷/۲۰)، رابطه هم‌معنایی با «أبد» و «دهر» دارد.

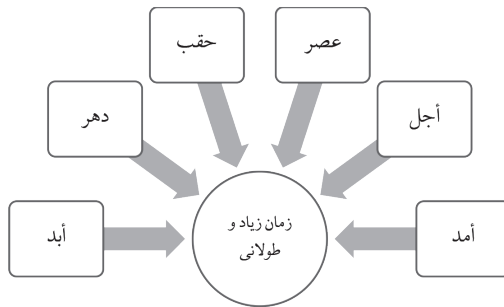
شایان ذکر است که واژه «عصر» که تنها یک بار در قرآن کریم به کار رفته است؛ اگر به معنای «دهر» باشد (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲۹۲/۱)، همراه با سه کلمه فوق -حقب، دهر، أبد- رابطه هم‌معنایی برقرار می‌کند.

1) Synonymy



شکل ۴-۱: رابطه هم‌معنایی میان واژگان «أبد»، «دهر»، «حقب»، «عصر»

* میان دو واژه «أجل» [به معنی غایه الوقت (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱۷۸/۶)]، «أمد» [به معنی منتهی کل شیء و آخره (همان: ۸۹/۸)] رابطه هم‌معنایی و مترادف وجود دارد. شایان توجه است که ابو‌هلال عسکری معتقد است بعضی از «أجل»‌ها به اندازه «دهر» هستند. (عسکری، ۱۴۰۰: ۲۶۳) از این رو شاید بتوان رابطه «دهر» و واژه‌های هم‌معنای آن که پیش‌تر ذکر شد را با واژه «أجل»، نوعی رابطه هم‌معنایی در نظر گرفت؛ به عبارت دیگر شاید بهتر باشد شکل ۵۱ را به صورت زیر تکمیل نمود:

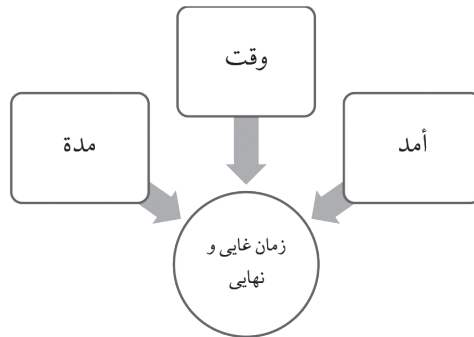


شکل ۴-۲: رابطه هم‌معنایی میان واژگان «أبد»، «دهر»، «حقب»، «عصر»، «أجل»، «أمد»

* واژه «مدة» [به معنی غایه (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱۶/۸)] با واژه «وقت» [به معنی مقدار من الزمان (همان، ج ۵: ۱۹۹) زمان نهایی برای انجام کاری (راغب، ۱۴۱۲: ۸۷۹)] رابطه هم‌معنایی دارند.

واژه «أمد» نیز به معنای مدتی از زمان است که حدود آن مبهم و مجهول و هم‌چنین به معنی غایه است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹: ۱۶۱). طبرسی معتقد است واژه «أمد» به معنای

«وقت ممتد» است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۵۷/۹) کاربرد قرآنی آن نیز همین معنا را گویاست نظیر آیات ﴿فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ﴾ (حدید/۱۶)، به معنی «مدّه و وقت» است؛ ﴿تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَ بَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا﴾ (آل عمران/۳۰)، به معنی «الغایه التي یتتهی». (طوسی، بی تا: ۴۳۷/۲) از این رو می توان میان «آمد» و «وقت» و «مدّه» رابطه هم معنایی برقرار نمود.

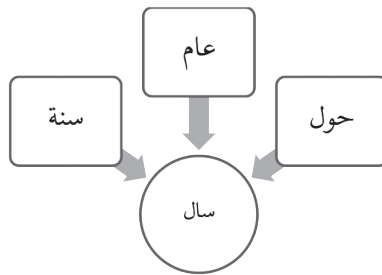


شکل ۴-۳: رابطه هم معنایی میان واژگان «مدّه»، «وقت»، «آمد»

۴. ۱. ۲. رابطه هم معنایی میان واحدهای دقیق «زمان»

رابطه «سنه» و «عام»، هم معنایی است. هر چند این دو با یکدیگر تفاوت هایی دارند؛ از جمله: (عسکری، ۱۴۰۰: ۲۶۴)

- مجموع روزها را «عام» و مجموع ماهها را «سنه» گویند. (همان)
- «عام» را زمانی به کار می بریم که آن سال به چیز خاصی اختصاص یافته باشد (عام الفیل) ولی «سنه» این طور نیست. (همان)
- در هنگام گفتن تاریخ یا تقویم از «سنه» استفاده می شود نظیر: (سنه مائه) و (سنه خمسين). (همان)
- از «سنه» برای سال های سخت و قحطی استفاده می شود ولی از لفظ «عام» برای سال هایی که پر رونق و بارور باشد، استفاده می شود. (راغب، ۱۴۱۲: ۵۹۸)
- یکی از معانی کلمه «حول»، «سنه» است و وجه تسمیه آن به دلیل انقلاب و گردش «سنه» سال و گردش خورشید _ طلوع و غروب های آن _ است. (همان: ۲۶۶) رابطه «حول» با دو واژه فوق، نیز رابطه هم معنایی است.

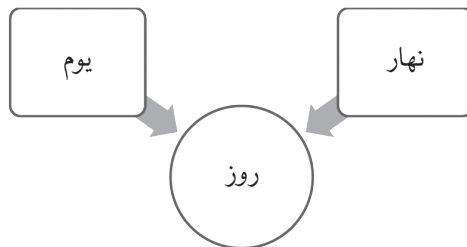


شکل ۴-۴: رابطه هم‌معنایی میان واژگان «سنة»، «عام»، «حول»

* دو واژه «یوم» و «نهار» نیز با یکدیگر رابطه هم‌معنایی دارند؛ البته این ترادف نسبی است و با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند:

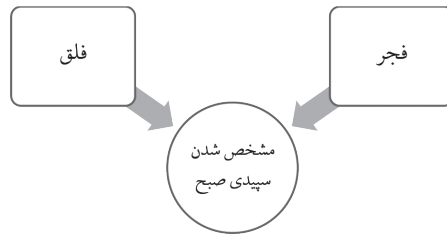
- کلمه «نهار» علاوه بر معنای روز، دلالت بر گسترش نور نیز دارد و به همین دلیل فقط این کلمه در هم‌نشینی و تقابل واژه «لیل» به کار رفته است. کلمه «یوم» را در مواردی استعمال می‌کنند که عنایتی به افاده گسترش نور نداشته باشد، نظیر مواردی که سخن از شمردن ایام باشد همچون (عشرة ایام و عشرين یوما). (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۳/۱۰)

- «نهار» اسمی برای وقت و زمان نیست. ولی «یوم» اسمی برای مقداری از زمان است که در آن روشنایی وجود دارد. به همین دلیل نحویان می‌گویند: منظور گوینده از (سرت یوما) معین نمودن مقدار وقت و منظور گوینده از (سرت الیوم أو یوم الجمعة) مشخص نمودن تاریخ و منظور از (سرت نهارا أو النهار) تعیین کردن میزان وقت یا مشخص کردن تاریخ نیست بلکه معنایش این است که گوینده در روشنایی روز حرکت کرده است. (عسکری، ۱۴۰۰: ۲۶۶)



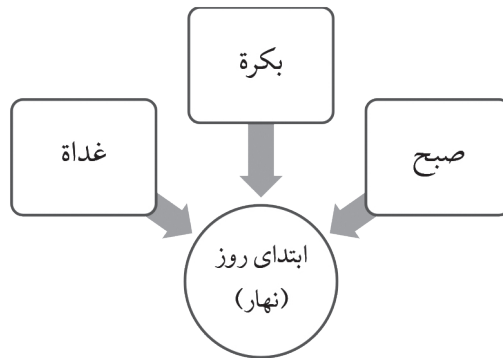
شکل ۴-۵: رابطه هم‌معنایی میان واژگان «یوم» و «نهار»

* «فلق» و «فجر» با یکدیگر رابطه هم‌معنایی دارند؛ چراکه هر دو به معنای شکافتن چیزی و بیرون آمدن صبح از دل شب دلالت دارند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۳۵/۱۰ و راغب، ۱۴۱۲: ۶۴۵)



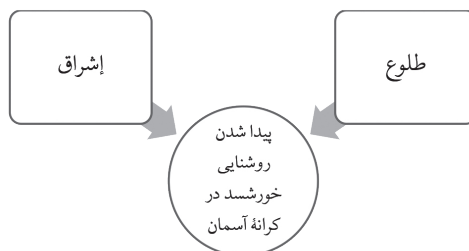
شکل ۴-۶: رابطه هم‌معنایی میان واژگان «فلق» و «فجر»

* سه واژه «غدا»، «بکره» و «صبح» به ابتدای روز (نهار) اشاره می‌کنند (راغب، ۱۴۱۲: ۶۰۳ و ۱۴۰ و ۴۷۳)؛ از این رو، می‌توان به نحوی هر سه را هم‌معنی دانست.



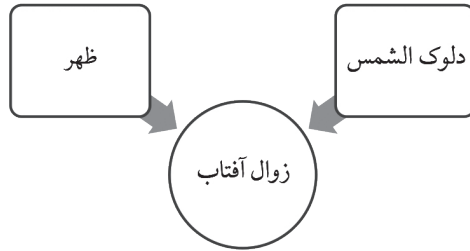
شکل ۴-۷: رابطه هم‌معنایی میان واژگان «غدا» و «بکره»

* دو واژه «شروق» و «طلوع» با یکدیگر رابطه ترادف معنایی دارند؛ با این تفاوت که واژه «طلوع» عام‌تر است. (عسکری، ۱۴۰۰: ۳۰۴) البته واژه «شروق» در قرآن کریم نیامده و واژه «إشراق» از مشتقات آن در آیه ﴿يُسَبِّحُنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ﴾ (ص/۱۸) به کار رفته است.



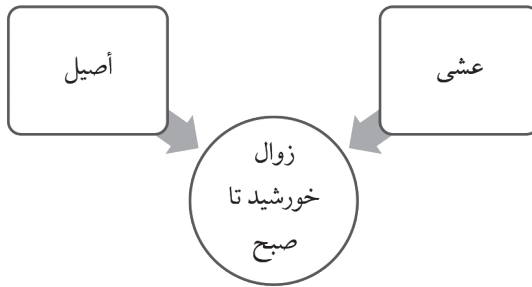
شکل ۴-۸: رابطه هم‌معنایی میان واژگان «إشراق» و «طلوع»

* میان واژگان «ظهر» و «دلوک الشمس» رابطه هم‌معنایی برقرار است. هر دو بر زوال آفتاب در وقت ظهر اشاره می‌کنند. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳۷/۴ و همان، ۳۲۹/۵)



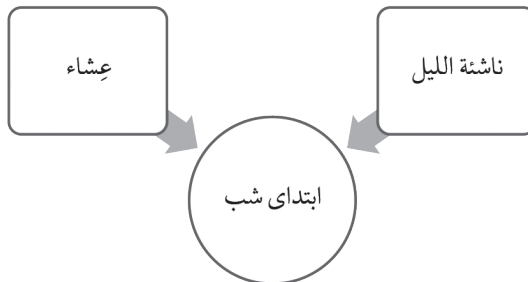
شکل ۴-۹: رابطه هم‌معنایی میان واژگان «دلوک الشمس» و «ظهر»

* فراهیدی واژه «عشی» به معنی «آخر النهار: انتهای روشنایی روز» (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱۸۸۲) را هم‌معنی «أصیل» می‌داند (همان: ۱۵۶۷)؛ از این رو با یکدیگر رابطه هم‌معنایی دارند.



شکل ۴-۱۰: رابطه هم‌معنایی میان واژگان «عشی» و «أصیل»

* دو واژه «عشاء» به معنی «أول ظلام الليل: ابتدای تاریکی شب» (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱۸۸۲) و «ناشئة الليل» به معنی «أول الليل» (همان: ۲۸۸/۶) با یکدیگر رابطه هم‌معنایی دارند.



شکل ۴-۱۱: رابطه هم‌معنایی میان واژگان «عشاء» و «ناشئة الليل»

۴.۲. رابطه شمول معنایی^۱

اشتمال از آن جهت که متضمن یک جانبه است با مترادف تفاوت دارد. «الف» مشتمل بر «ب» است در حالی که «ب» در تقسیم‌بندی شاخه‌ای^۲ بالاتر است؛ مانند کلمه «فرس» که به دسته بالاتر «حیوان» وابسته است. بدین ترتیب معنای «اسب» متضمن معنای «حیوان» است. (مختار عمر، ۱۳۸۵: ۸۷)

نوع دیگری از اشتمال وجود دارد که به آن «جزئیات متداخل»^۳ می‌گویند؛ یعنی مجموعه واژگانی که هر واژه متضمن واژه بعد از خود است؛ مانند ثانیه، دقیقه، ساعت، روز، هفته، ماه، سال. (همان)

سطح‌بندی رابطه میان واژه شامل و واژه‌های زیرشمول در تشخیص واژه‌های هم‌شمول از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. برای نمونه، انگور واژه زیرشمول میوه است و با سیب، پرتقال، موز و جزء آن، هم‌شمول به حساب می‌آید. انگور به نوبه خود، برای یاقوتی، کندری، عسکری و جزء آن واژه شامل به حساب می‌آید؛ بنابراین یاقوتی با سیب هم‌شمول نیست، زیرا رابطه‌شان به دو سطح مختلف از شمول معنایی تعلق دارد. این امکان وجود دارد که واژه شامل و واژه زیرشمول، همنام باشند. در این مورد می‌توان اسب را نمونه آورد که کنار نوع ماده‌اش که مادیان نامیده می‌شود، نوع نرش را باز اسب می‌نامیم؛ در چنین شرایطی، با شمول معنایی «همنام» مواجه می‌شویم. این مطلب نشان می‌دهد که شمول معنایی نیز همچون هم‌معنایی و تضاد معنایی، رابطه میان واژه‌ها نیست بلکه رابطه‌ایست میان واژه‌ها در تعبیر خاصی از آن‌ها. (گیرتس، ۱۳۹۵: ۱۸۸)

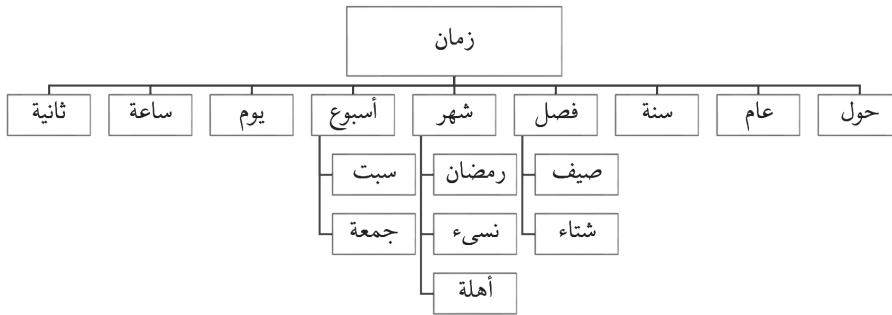
رابطه شمول معنایی نیز در دو بخش بررسی می‌گردد: ۱. میان سنجشگرهای مبهم زمان
 ۲. میان سنجشگرهای دقیق زمان.

۴.۲.۱. رابطه شمول معنایی میان واحدهای مبهم «زمان»

* رابطه میان «أجل» و «مدة»، اشتمال است؛ چراکه طبق نظر ابو‌هلال عسکری، هر «أجل»ی «مدة» است؛ اما هر «مدة»ی «أجل» نیست. (عسکری، ۱۴۰۰: ۲۶۶) هم‌چنین از آنجایی که راغب اصفهانی «مدة» را به معنی وقت ادامه‌دار: «الوقت المُمْتَدُّ» می‌داند (راغب، ۱۴۱۲: ۷۶۳)؛ نیز می‌توان دو واژه «مدة» و «وقت» را تقریباً مترادف یکدیگر دانست. از این رو رابطه «أجل» و «وقت» نیز اشتمال است.

1) Hyponymy
 2) Taxonomic
 3) Overlapping Segments

نام ماه «رمضان» آمده است. هم‌چنین واژه «نسیء» که یک بار در قرآن کریم در آیه ﴿إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُحِلُّونَهُ عَامًا وَيُحَرِّمُونَهُ عَامًا﴾ (توبه/۳۷) آمده است به معنای جابجایی یکی از چهار ماه حرام [رجب، ذی‌القعدة، ذی‌الحجة و المحرم] با ماه‌های دیگر سال است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۷: ۳۰۶)؛ پس این واژه نیز به نحوی زیرشمول «شهر» حساب می‌شود. هم‌چنین «أهله» که تنها در آیه ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ﴾ (بقره/۱۸۹) به کار رفته؛ به معنای قرص قمر در شب اول و دوم ماه (راغب، ۱۴۱۲: ۸۴۳)، جزئی از «شهر: ماه» حساب می‌شود. به همین ترتیب، دو واژه «صيف» و «شتاء» زیرشمول کلمه «فصل» می‌شوند.



شکل ۴-۱۴: رابطه اشتمال میان سنجشگرهای دقیق و کلی زمان

۳.۴. رابطه تضاد معنایی^۱

انواع متعددی از تقابل وجود دارد که زبان‌شناسان آن‌ها را تحت نام «تضاد» جای می‌دهند:

۱. تقابل مدرج یا قابل درجه‌بندی^۲: در این حالت انکار یک عضو تقابل به معنای اعتراف به عضو دیگر نیست. برای مثال وقتی گفته می‌شود: «آش داغ است» بدین معنا نیست که «آش سرد است»؛ این نوع تضاد نسبی است. در نظر منطق‌دانان این همان «تضاد» نامیده می‌شود. (مختار عمر، ۱۳۸۵: ۸۹)

۲. تقابل شدید یا تضاد غیرقابل درجه‌بندی^۳: نفی یک تقابل یعنی اعتراف به دیگری؛ نظیر مرده و زنده، متأهل و مجرد، مذکر و مؤنث. اگر بگوییم فلانی ازدواج نکرده است یعنی مجرد است. منطق‌دانان این رابطه را «تناقض» می‌دانند: «نه با هم قابل تصدیق‌اند و نه قابل تکذیب». (همان)

1) Antonymy
2) Gradable Opposition
3) Non-gradable Opposition

۳. تقابل دوسویه یا عکس^۱: وقوع یکی از واژه‌های متقابل، متضمن وقوع واژه دیگر نیز هست. (گیرتس، ۱۳۹۵: ۱۹۴) هم‌چنین به رابطه میان واژگان زوج گفته می‌شود؛ برای نمونه خرید و فروش، زوج و زوجه. مثلاً اگر بگوییم «محمد همسر فاطمه است» یعنی «فاطمه همسر محمد است». منطق دانان این نوع رابطه را «تضایف» می‌دانند. در نظر آن‌ها متضایفان، دو چیزی هستند که تصور یکی بدون دیگری ممکن نیست. (مختار عمر، ۱۳۸۵: ۹۰)

۴. **تباین^۲ یا تقابل چندوجهی^۳**: در اصل نوعی تقابل معنایی است که میان مفهوم چند واژه در یک حوزه معنایی پدید می‌آید. برای مثال در گروه‌های ذیل نفی هر کدام منجر به تأیید اعضای دیگر می‌گردد: «شمال، جنوب، شرق و غرب» یا «شنبه، یکشنبه، دوشنبه، ... ، پنجشنبه، جمعه». (صفوی، ۱۳۹۹: ۱۲۰)

* **میزان**: در رایج‌ترین شکل تباین، تقابل چند واژه برحسب «میزان» پدید می‌آید؛ مثلاً میزان دما که در مورد جوش، داغ، گرم، نیم‌گرم، ولرم، خنک، سرد مطرح است. این همان شرایطی است که پایه شرایط مدرج را تشکیل می‌دهد. (گیرتس، ۱۳۹۵: ۱۹۵) کتاب «درآمدی بر معناشناسی» از این رابطه با عنوان «تباین ردیفی^۴» یاد می‌کند. (صفوی، ۱۳۹۹: ۱۲۱)

* **مرتبه**: مثلاً سرتیپ، سرهنگ، سرگرد، سروان، ستوان. در این مورد بُعد تقابل گسسته است و مدرج به حساب نمی‌آید. (گیرتس، ۱۳۹۵: ۱۹۵)

* **دور**: یکی دیگر از ابعاد، تباین میان واحدهای تکرارشونده و دوری است؛ مثلاً تباین میان روزهای هفته و ماه‌های سال (همان). مجموعه‌های دوره‌ای مثل ماه‌ها، فصل‌ها و ایام هفته هم در آن جای می‌گیرند؛ یعنی هر عضو از مجموعه بین دو مجموعه قبل و بعدش وضع شده است. در این جا درجه یا رتبه وجود ندارد؛ مثلاً شنبه، قبلش جمعه و بعدش یکشنبه است. (صفوی، ۱۳۹۹: ۹۳) کتاب «درآمدی بر معناشناسی» از این رابطه با عنوان «تباین مدور^۵» یاد می‌کند. (همان: ۱۲۱)

رابطه تضاد معنایی هم در دو بخش ذیل بررسی می‌گردد: ۱. میان سنجشگرهای مبهم زمان
 ۲. میان سنجشگرهای دقیق زمان.

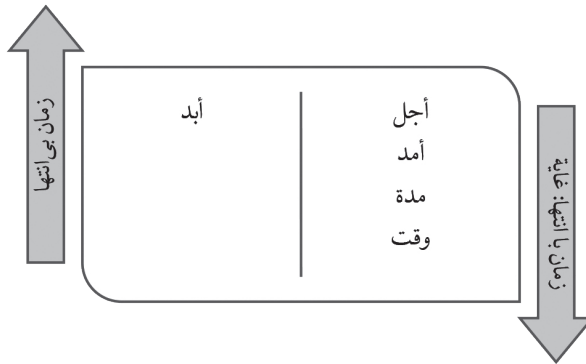
۴. ۳. ۱. رابطه تضاد معنایی میان واحدهای مبهم «زمان»

* واژه «أبد» با واژگان ذیل در تضاد است: «أجل»، «أمد»، «مدة»، «وقت». از آنجایی که «أبد» به آینده بی‌انتهای اشاره دارد (طوسی، بی‌تا: ۱۹۳/۵) و در مقابل «أجل» به معنی تمام

- 1) Converse Opposition
- 2) Contrast
- 3) Multiple Opposition
- 4) Serial Contrast
- 5) Cyclical Sets
- 6) Cyclical Contrast

شدن مدت مقرر (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۸۸/۳) (چه فرارسیدن مرگ، چه پایان زمان ادای دین، چه پایان عده زنان) است؛ بنابراین «أجل» با «أبد» رابطه تضاد نسبی (تقابل مدرج) دارد. «أمد» نیز به معنی انتهای چیزی است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۸۹/۸)؛ از این رو با «أبد» که بی‌انتهاست و انتهای آن مشخص نیست در تضاد است؛ حتی در کاربرد قرآنی این واژه ﴿أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمْدًا﴾ (جن/۲۵) و ﴿فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ﴾ (حدید/۱۶) به ترتیب به معنی «غایه» و «مدّه و وقت» به کار رفته است.

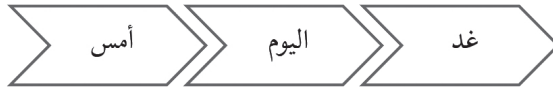
«مدّه» به معنی «غایه» یا «الوقت الممتد» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۵۷/۹)، در تضاد با «أبد» است. «وقت» نیز در قرآن کریم در اغلب موارد به زمان وقوع قیامت اشاره دارد. در کتب لغت نیز این واژه به معنی زمان نهایی برای انجام کاری است (راغب، ۱۴۱۲: ۸۷۹)؛ «میقات» نیز به همین معنی است: زمان یا مکانی برای چیزی که برای آن وقت تعیین شده است. (همان) «توقیت» نیز در آیه در آیه ﴿وَ إِذَا الرُّسُلُ أَقْبَتْ﴾ (مرسلات/۱۱) به معنی معین کردن وقت چیزی است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۴۹/۲۰) پس می‌توان گفت واژه «وقت» و مشتقاتش با «أبد» در تضاد است؛ چراکه در «أبد» انتها مشخص نیست.



شکل ۴-۱۵: تضاد نسبی میان واژه «أبد» با واژگان «أجل، أمد، مدّه، وقت»

۴. ۳. ۲. رابطه تضاد معنایی میان واحدهای دقیق «زمان»

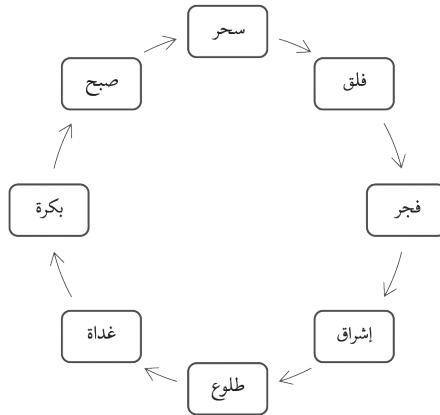
* رابطه میان واژگان «أمس: دیروز»، «الیوم: امروز» و «غد: فردا» نوعی تباین معنایی از نوع «مرتبّه» محسوب می‌شود؛ چراکه هم به نوعی نفی هر کدام منجر به تأیید دیگری است و هم میان مجموعه‌ای از واژگان نوعی تقابل وجود دارد. از آنجایی که این تقابل خطی و گسسته یا به عبارت دیگر مدرج است، از این رو این تباین از نوع «مرتبّه» است.



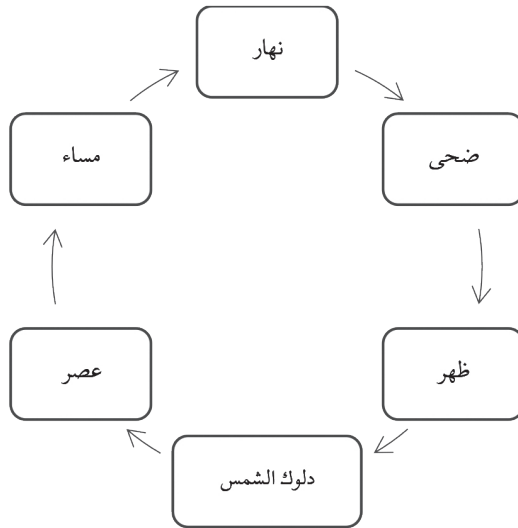
شکل ۴-۱۶: تباین معنایی «رتبه» میان واژگان «أمس»، «اليوم»، «غد»

* در میان مجموعه کلماتی که دلالت بر تقسیمات زمان بر حسب تحولات شبانه‌روز دارند می‌توان نوعی تقابل معنایی را دید به نحوی که نفی یکی منتهی به تأیید دیگر واژگان می‌شود. این مجموعه عبارت‌اند از: «سحر»، «فلق»، «فجر»، «بکره»، «صبح»، «إشراق»، «طلوع‌الشمس»، «غدا»، «نهار»، «ضحی»، «ظهر»، «دلوک‌الشمس»، «عصر»، «مساء»، «أصيل»، «غروب»، «شفق»، «لیل»، «ناشئة‌اللیل»، «غسق‌اللیل»، «عشی» و «بیات». از آنجایی که این مجموعه دلالت بر تحولات خورشید و ماه در طی یک شبانه‌روز دارد؛ بنابراین این سنجشگرهای زمان، به صورت یک چرخه تکرار‌شونده، تکرار می‌شوند؛ به عبارت دیگر می‌توان رابطه میان کمیت‌نماهای دقیق و جزئی «زمان» را تباین معنایی از نوع «مدور» متصور شد.

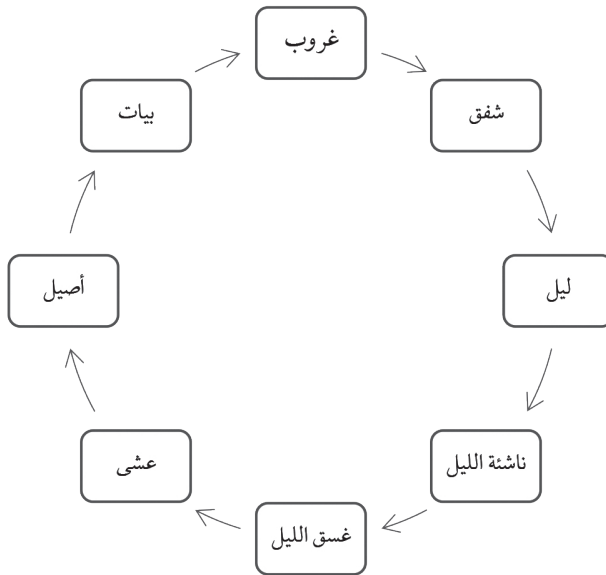
همان‌طور که گفته شد، مجموعه‌های دوره‌ای نظیر ماه‌ها، فصل‌ها و روزهای هفته در این دسته قرار می‌گیرند. در این جا هر عضوی بین دو مجموعه قبل و مابعدش جای می‌گیرد. برای نمونه «سحر» به معنی انتهای «لیل» (فراهیدی، ۱۴۰۹، ۱۳۵/۳) و قبل از «طلوع فجر» است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۱۴/۲)؛ پس مابین «لیل» و «فجر» قرار می‌گیرد.



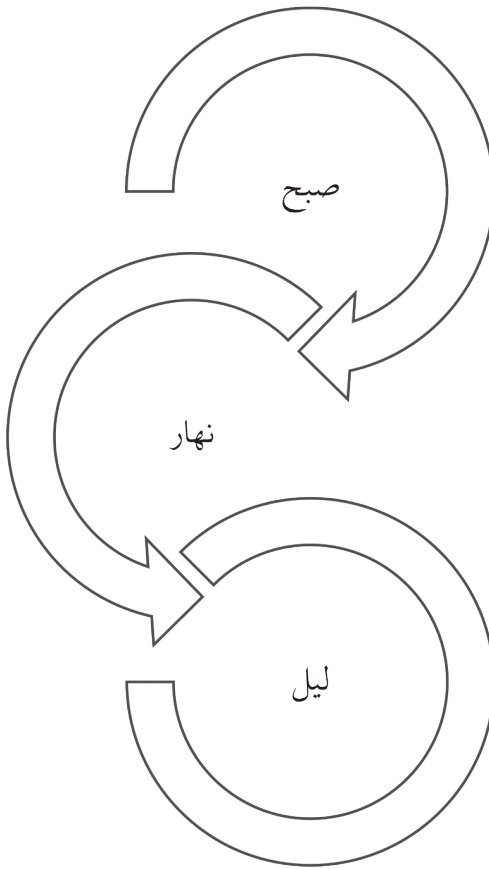
شکل ۴-۱۷: تباین معنایی «مدور» میان واحدهای جزئی «صبح»



شکل ۴-۱۸: تباین معنایی «مدور» میان واحدهای جزئی «نهار»



شکل ۴-۱۹: تباین معنایی «مدور» میان واحدهای جزئی «لیل»



- سحر
- فلق
- فجر
- اشراق
- طلوع
- غداة
- بكرة

- ضحی
- ظهر
- دلوک الشمس
- عصر
- مساء

- غروب
- شفق
- ناشئة اللیل
- عسق اللیل
- عشی
- أصل
- بیات

شکل ۴-۲۰: تباین معنایی «مدور» میان واحدهای جزئی زمان برحسب شبانه‌روز

* البته می‌توان برای بهتر نشان دادن ترتیب زمانی مجموعه سنجشگرهای جزئی زمان در یک شبانه‌روز، از رابطه تباین خطی بهره برد.



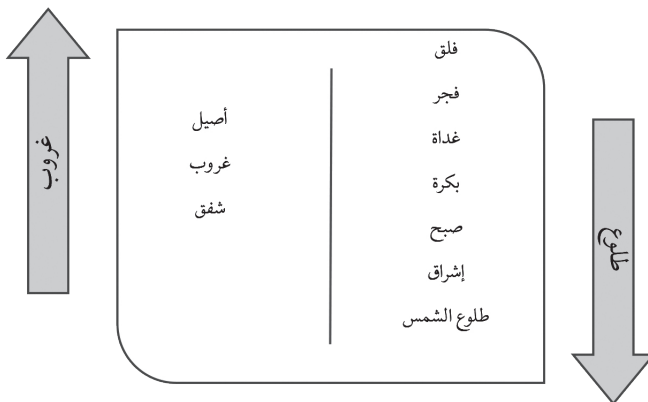
شکل ۴-۲۱: تباین معنایی «خطی» میان واحدهای جزئی زمان برحسب شبانه‌روز

* یکی از تضادهای واضح، تناقض میان روشنایی و تاریکی است؛ تناقضی که غیر قابل جمع است. از این رو می‌توان واژگانی که بر روشنایی دلالت می‌کنند را در تقابل با واژگانی که دلالت بر تاریکی دارند، تصور نمود.



شکل ۴-۲۲: تقابل غیر مدرج میان واژگان مرتبط با روشنایی و تاریکی شبانه‌روز

هم‌چنین این تضاد را می‌توان میان واژگان مرتبط با طلوع خورشید و واژگان مرتبط با غروب خورشید یافت:



شکل ۴-۲۳: تقابل غیرمدرج میان واژگان مرتبط با طلوع و غروب خورشید

* البته اشاره به هم‌نشینی واژگان متقابل در قرآن کریم خالی از لطف نیست. در قرآن کریم برخی از واژگان متضاد در کنار یکدیگر به کار برده شده‌اند. برای مثال کلمه «عشی» در هم‌نشینی با کلماتی نظیر «ظهر»، «إشراق»، «بکره» و «غدا» آمده است که از نظر معنایی با این کلمات در تناقض یا تقابل غیر مدرج است. از جمله تضادهای قرآنی می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

جدول ۴-۲۴: جدول تضادهای قرآنی

واژه	واژگان متضاد	مثال قرآنی
طلوع	غروب	﴿سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ﴾ (ق/۳۹)
صبح	مساء	﴿فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ﴾ (روم/۱۷)
لیل	نهار	﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَى النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ﴾ (هود/۱۱۴)
	ضحی	﴿وَ الضُّحَىٰ وَاللَّيْلِ﴾ (ضحی/۱-۲)
عشی	ظهر	﴿وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ﴾ (روم/۱۸)
	إشراق	﴿يَسْبِغْنَ بِالْعَسِيِّ وَالْإِشْرَاقِ﴾ (ص/۱۸)
	بکره	﴿أَنْ سَبَّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا﴾ (مریم/۱۱)
	ایکار	﴿وَسَبِّحْ بِالْعَسِيِّ وَالْإِبْكَارِ﴾ (آل عمران/۴۱)
أصیل	غدا	﴿الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ﴾ (أنعام/۵۲)
	غدو	﴿التَّارِ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا﴾ (غافر/۴۶)
	غدو	﴿يَسْبُحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ﴾ (نور/۳۶)
	بکره	﴿وَسَبَّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلاً﴾ (أحزاب/۴۲)

۴.۳. رابطه جزء واژگی^۱

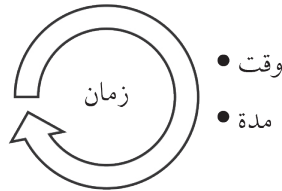
منظور رابطه کل به جزء میان دو مفهوم است؛ همانند رابطه دست با جسم و رابطه چرخ با ماشین است. این رابطه همچون شمول معنایی نوعی رابطه سلسله مراتبی میان اجزاء و کل تشکیل‌دهنده آن اجزاء برقرار می‌کند. (صفوی، ۱۳۹۹: ۱۰۳) فرق این رابطه با رابطه اشمال یا تضمن، روشن است؛ بدین صورت که دست نوعی از جسم نیست اما جزئی از آن است، برخلاف انسان که نوعی از حیوان است نه جزئی از آن. (مختار عمر، ۱۳۸۵: ۸۹)

رابطه جزء واژگی نیز در دو بخش ذیل مورد مطالعه قرار گرفته است: ۱. میان سنجشگرهای مبهم زمان ۲. میان سنجشگرهای دقیق زمان.

1) Meronymy

۴. ۳. ۱. رابطه جزء واژگی میان واحدهای مبهم «زمان»

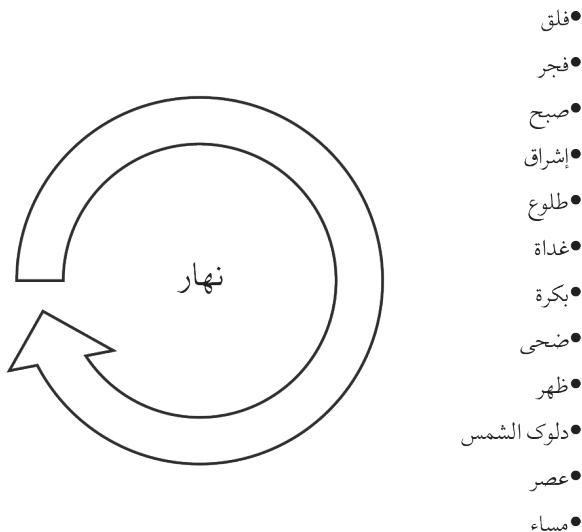
* بنابر گفته ابو هلال عسکری نسبت میان «وقت» و «زمان» نسبت جزئی از بدن با کل بدن است (عسکری، ۱۴۰۰: ۲۶۴) و از آن جایی که پیش تر گفته شد واژه «مدة» [به معنی غایه (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱۶/۸)] با واژه «وقت» [به معنی مقدار من الزمان (همان: ۱۹۹/۵)] رابطه هم معنایی دارند. از این رو دو واژه «مدة» و «وقت» با کلمه «زمان» رابطه جزء و کل دارند.



شکل ۴-۲۵: رابطه جزء و کل میان «زمان» و دو واژه «مدة» و «وقت»

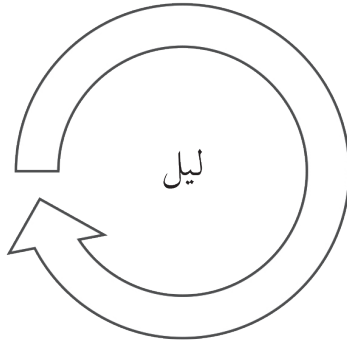
۴. ۳. ۲. رابطه جزء واژگی میان واحدهای دقیق «زمان»

* واژگان «فلق»، «فجر»، «صبح»، «إشراق»، «طلوع الشمس»، «غداة»، «بكرة»، «ضحی»، «ظهر»، «دلوك الشمس»، «عصر» و «مساء» هر کدام جزء و بخشی از «نهار» محسوب می شوند.



شکل ۴-۲۶: رابطه جزء و کل میان «نهار» و سایر واژگان مربوطه

* واژگان «غروب»، «شفق»، «ناشئه اللیل»، «غسق اللیل»، «عشی»، «أصیل»، «بیات» و «سحر» نیز هر کدام جزئی از «لیل» حساب می‌شوند.



- غروب
- شفق
- ناشئه اللیل
- غسق اللیل
- عشی
- أصیل
- بیات
- سحر

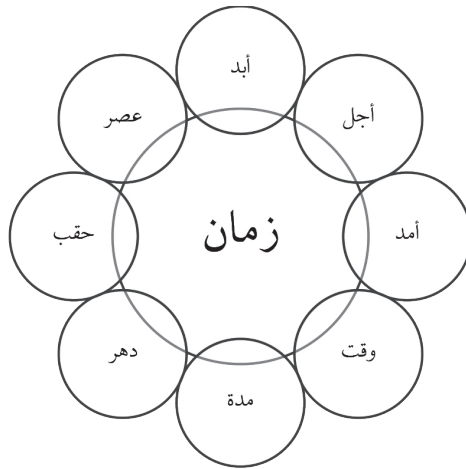
شکل ۶-۲۷: رابطه جزء و کل میان «لیل» و سایر واژگان مربوطه

نتیجه‌گیری

مطالعات معناشناسی در پژوهش‌های قرآنی نشان می‌دهد این علم با ارائه راهکارهایی نظام‌مند، علاوه بر ارائه تعریفی دقیق از مفاهیم مورد مطالعه و تبیین جایگاه آن مفهوم در میان سایر مفاهیم قرآنی، موفق به کشف لایه‌های جدیدی از یک مفهوم گشته و در تعمیق معانی مستخرج از آیات نقشی به سزایی داشته است. در این مقاله در راستای بررسی دلالت‌های معنایی هر کدام از واژگان مرتبط با «زمان» در قرآن کریم مبتنی بر معناشناسی رابطه‌ای و شناسایی روابط مفهومی میان واژگان مذکور، مجموعه واژگان «زمان» را می‌توان در سه دسته ذیل تقسیم نمود:

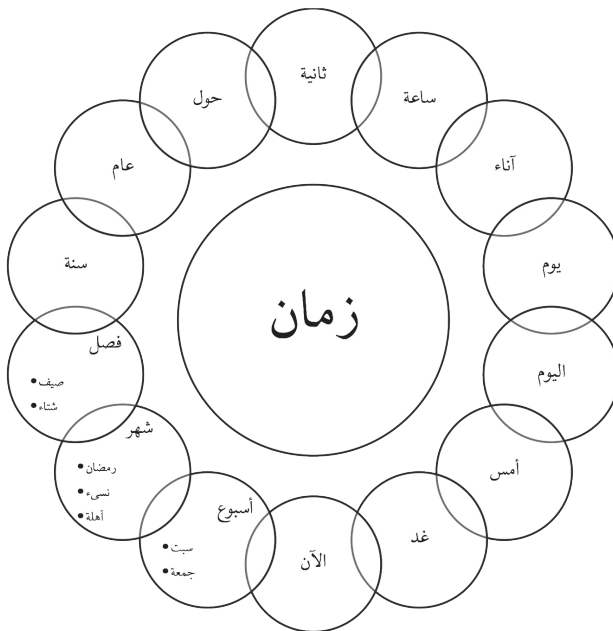
۱. واحدهای مبهم «زمان»
۲. واحدهای دقیق و کلی «زمان»
۳. واحدهای دقیق و جزئی «زمان»

بر مبنای تقسیم‌بندی فوق می‌توان به ترسیم شبکه‌های معنایی میان مجموعه واژگان مذکور دست یافت.

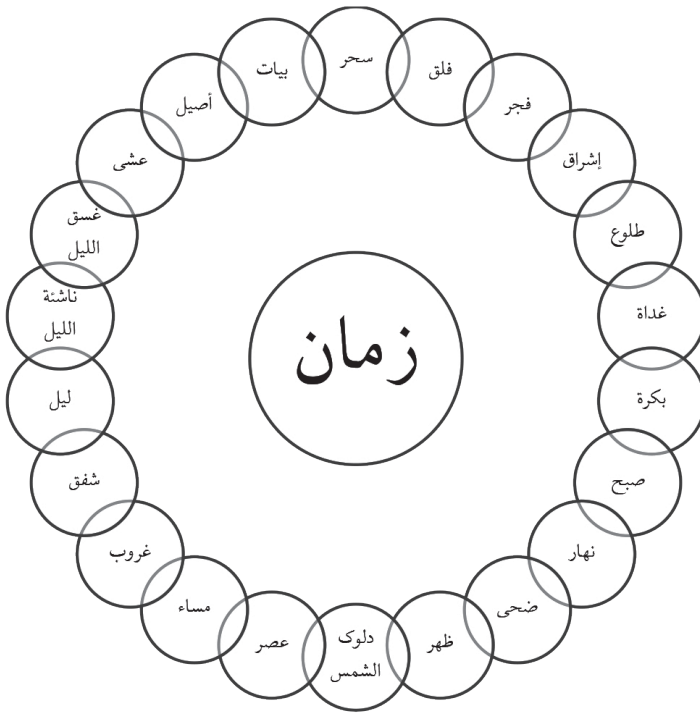


شکل ۵-۱: شبکه معنایی واحدهای مبهم «زمان» در قرآن کریم

شایان ذکر است در شبکه معنایی فوق، واژه «عصر» در صورتی لحاظ می‌شود که به معنای «دهر» فرض شود.

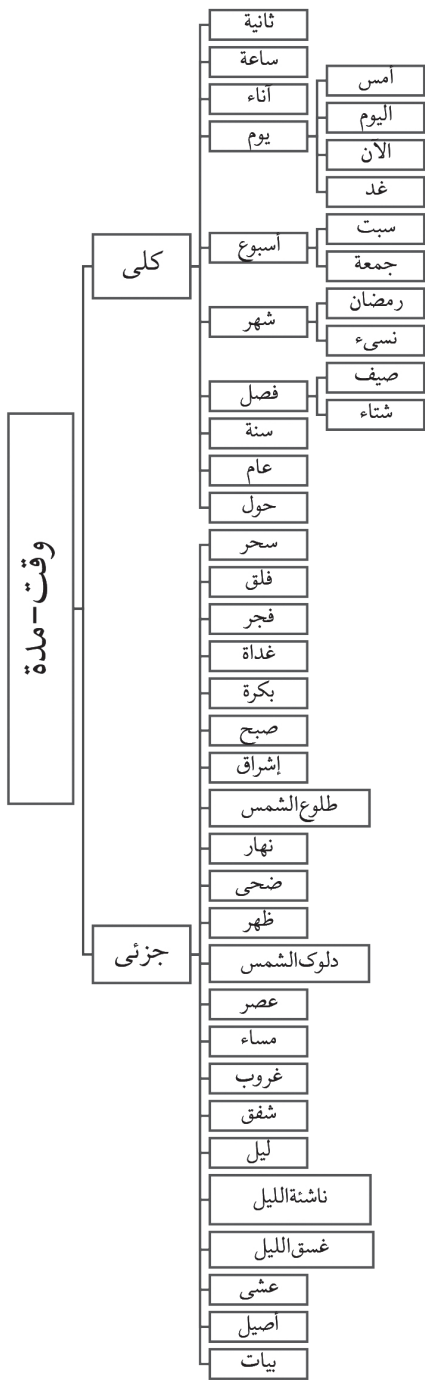


شکل ۵-۲: شبکه معنایی واحدهای دقیق و کلی «زمان» در قرآن کریم



شکل ۵-۳: شبکه معنایی واحدهای دقیق و جزئی «زمان» در قرآن کریم_تحولات در یک شبانه‌روز

نکته قابل توجه در روابط مفهومی واژگان «زمان» آن است که میان واژگان مبهم و دقیق رابطه‌ای برقرار نشده است. در صورت برقراری رابطه‌ای میان این دو، تنها می‌توان به رابطه میان دو واژه «مدة» و «وقت» با سایر سنجشگرهای کلی و جزئی «زمان» اشاره کرد. این رابطه نوعی اشتغال یا «جزئیات متداخل» است؛ چراکه هر کدام از این واژگان نوعی «وقت» یا «مدة» محسوب می‌شوند و هم‌اینکه رابطه میان مجموعه واژگانی که هر واژه متضمن واژه بعد از خود باشد از نوع رابطه اشتغال یا جزئیات متداخل است. (شکل ۵-۴)



سال پنجم
شماره دوم
پیاپی: ۹
پاییز و زمستان
۱۴۰۰

شکل ۴-۵: رابطه اشتغال میان «وقت» و «مدة» با واژگان کلی و جزئی (دقیق) زمان

کتابنامه

- قرآن کریم.
 - ابوغدّه، عبدالفتاح (بی تا): «قیمه الزمن عند العلماء»، حلب: مکتب المطبوعات الإسلامیة، چاپ دهم.
 - اسدی، هاجر (۱۳۹۳): «بررسی آیات زمان در قرآن کریم»، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران.
 - براتی، مرتضی و دیگران (۱۳۹۵): «زمان در قرآن»، آیین حکمت، شماره ۲۷، صص ۷-۳۱.
 - پیروزی فر، مرضیه. (۱۳۹۲): «معناشناسی واژگان یوم و ایام در قرآن کریم»، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه چمران اهواز.
 - جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ ق): «الصحاح»، تحقیق: احمد عبدالغفور عطار، بیروت: دارالعلم للملایین.
 - حمّور، عرفان محمد (بی تا): «المواسم و حساب الزمن عند العرب قبل الإسلام»، بیروت: مؤسسه الرحاب الحدیثه.
 - درخشان فر، سودابه (۱۳۹۵): «معناشناسی واژگان اوقات نماز در قرآن (دلوک، غسق، قرآن الفجر)»، پایان نامه، کارشناسی ارشد، رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه یاسوج.
 - راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق): «مفردات ألفاظ القرآن»، بیروت: دارالقلم.
 - زرکشی، بدرالدین (۱۹۵۷): «البرهان فی علوم القرآن»، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، مصر: دارالمعارف.
 - صفوی، کوروش (۱۳۹۹): «درآمدی بر معنی شناسی»، تهران: سوره مهر، چاپ ششم.
 - طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ ق): «المیزان فی تفسیر القرآن»، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم.
 - طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ ش): «مجمع البیان فی تفسیر القرآن» تصحیح: فضل الله یزدی طباطبایی و هاسم رسولی، ایران: ناصر خسرو، چاپ سوم.
 - طبری، محمد بن جریر (۱۹۶۰): «تاریخ الطبری»، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، مصر: دارالمعارف.
 - طوسی، محمد بن حسن (بی تا): «التبیین فی تفسیر القرآن»، تصحیح: احمد حبیب عاملی، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
 - عبدالملک، جمال (۱۹۷۲): «مسائل فی الابداع و التصور»، خرطوم: دار الطباعة.
 - عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰ ق): «الفروق فی اللغة»، بیروت: دار الافاق الجدیدة.
 - فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ ق): «کتاب العین»، قم: نشر هجرت، چاپ دوم.
 - کربوعه، میره (۲۰۱۴): «الفاظ الزمن فی القرآن الکریم: اللیل و النهار أنموذجا»، مجله المداد، شماره ۲، صص ۱۴۸-۱۷۶.
 - گیرتس، دیرک (۱۳۹۵): «نظریه های معنی شناسی واژگانی»، ترجمه: کوروش صفوی، تهران: نشر علمی، چاپ دوم.
 - مختار عمر، احمد (۱۳۸۵): «معناشناسی»، ترجمه حسین شهیدی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
 - مقاتل، مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ ق): «تفسیر مقاتل بن سلیمان»، تحقیق: عبدالله محمود شحاته، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
 - ممتحن، مهدی (۱۳۹۲): «مفاهیم زمانی در ادبیات و قرآن»، مطالعات ادبیات تطبیقی، سال ۲۶، شماره ۲۶، صص ۱۴۱-۱۵۶.
 - نظری، راضیه و سیدمحمد موسوی بفرولی (۱۳۹۹): «بررسی شناختی استعاره های حوزه مفهومی اسماء زمان در قرآن کریم»، پژوهش های زبان شناختی قرآن، شماره ۱۷، صص ۳۱-۴۶.
 - Al-yahya, Maha and Other (2010). "An Ontological Model for Representing Semantic Lexicons: An Application on Time Nouns in the Holy Quran", Arabian Journal for Science And Engineering, pages 21-35.
 - سایت Conversion.org/time؛ تاریخ آخرین بازدید: ۱۳۹۹/۰۹/۰۴.

Bibliography

- Holy Quran
- Abd-al-Malek, Jamal, 1972: "Issues in creativity and imagination", Khortum: Dar-al-Tebaah.
- Abu-Ghodde, Abd-al-Fattah, NoTime: "The value of time among scholars", Halab: Maktaba al-Matbuaat al-Eslamiya, 10th Edition.
- Asadi, Hajar,(1393SH): "Examining the verses of time in the Holy Quran", M.Sc., Quran and Hadith Sciences, Mazandaran University.
- Askari, Hasan bin Abd-al-lah, 1400 AH: "al-Forugh Fi al-Loghah", Beirut: Dar-al-Afagh al-jadida.
- Barati, Morteza and others, (1395SH): "Time in Quran", Ain-e-Hekmat, NO 27, Pages 7-31.
- Derakhshanfar, Sudabe, (1395SH) "Semantics of the words of prayer times in the Quran", M.Sc., Quran and Hadith Sciences, Yasuj University.
- Farahidi, Khalil bin Ahmad, 1409 AH: "Ketab al-Ein", Ghom: Hejrat, 2ed Edition.
- Girertes, Dirk (1395SH): "Theories of lexical semantics", Translation: Korosh Safavi, Tehran: Nashr-e-Elmi, 2ed Edition,
- Hammur, Erfan Mohammad, NoTime: "Seasons and time reckoning among the pre-Islamic Arabs", Beirut: al-Rehab al-Hadithah.
- Johari, Esmacil bin Hemad, 1376 AH: "al-Sehah", Research: Ahmad Abd-Ghafur Atar, Beirut: Dar-al-Elm.
- Karbua, Mira, 2014: "The words of time in the Quran: "al-lail" and "al-nahar" as a model", al-medad, NO 2, Pages 148-176.
- Moghateh, Moghatel bin Soleyman, 1423 AH: "Tafsir Moghatel", Research: Abd-alah Mahmud Shahata, Beirut: Dar-Ehya al-Torath ah-Arabi.
- Mokhtar Omar, Ahmad, (1385SH): "Semantics", Translation: Hosein Shahidi, Ferdosi University.
- Momtahan, Mahdi, (1392SH): "Concepts of time in literature and Quran", Comparative Literature Studies, NO 26, Pages 141-156.
- Nazari, Raziye and Mohammad Musavi, (1399SH): "Cognitive study of metaphors in the conceptual domain of Time in the Holy Quran", Linguistic Research in the Holy Quran, NO 17, Pages 31-46.
- Piruzifar, Marziye, (1392SH): "The semantics of the words "Yaom" and "Ayyam" in the Holy Quran", M.Sc., Quran and Hadith Sciences, Chamran University.
- Ragheb Esfehiani, Hossein bin Mohammad, 1412 AH: "al-Mofradat", Beirut: Dar-al-Ghalam.
- Safavi, Korosh, (1399SH): "An introduction to semantics", Tehran: Sureh Mehr, 6th Edition.
- Tabari, Mohammad bin Jarir, 1960: "Tarikh al-Tabari", Research: Mohammad Abu-

